قوام درک معنا به بسته‌بندی شبکه‌ای و اشاره‌گرهای نمادی

این بود که من عرض کردم اگر ممکن باشد و این پیشنهاد به عنوان یک فرض ممکن، جلو برود، به جای اینکه از لفظ «reference» - که دیگران می‌گفتند - استفاده کنیم، از کلمه اشاره‌گر استفاده کنیم. ام معنا را در همین چیزهایی که در ماشین درست می‌کنیم به جای بسته‌بندی زمان که می‌گفتیم، حالا بسته‌بندی نمادها در یک شبکه را مد نظر قرار دهیم.

اگر بتوانید شبکه‌ای داشته باشید که بستر اصلی و مؤلفه‌های اصلی آن شبکه را بتوانید با یک اشاره‌گری، به یک بخش و بسته‌ای از نمادها اشاره کنید، اینجاست که می‌توانید ادعا کنید که این اشاره‌گر دارد به یک نحوی در همان پایه، درک معنا می‌کند؛ درک معنای پایه‌ای. یعنی صرفاً به یک نماد اشاره نمی‌کند، بلکه به یک بسته‌بندی و شبکه‌ای از معانی اشاره می‌کند که مشار الیه آن، شبکه نیست و یک نماد نیست، بلکه یک بخش مرتبط در یک شبکه است. یعنی خود این، دستگاه است، اما با این اشاره، خودش به یک چیز منفرد اشاره نمی‌کند، بلکه به یک مؤلفه‌ای از شبکه‌ای از نمادها اشاره می‌کند. و لذا است که او می‌تواند تشخیص دهد که این چیزی که الآن می‌گویم، در ارتباط با دهها چیز است. الآن این ارتباط مهم است. در بستر آن چیزهایی که در حافظه دستگاه موجود است، وقتی یک چیزی را جلو او بیاوری و به وسیله اشاره‌گر آن را می‌فهمد، می‌فهمد که شما چیزی را آورده‌ای که بخشی از یک مؤلفه‌ای از یک شبکه‌ای از نمادها است. در اینجا می‌توانیم الآن در بطن پایه، دارد به یک درجه‌ای، درک معنا می‌کند.

شاگرد: ظاهراً فرض شما این است که اساساً درک معنا در افق زبان، از طریق دلالت‌های در یک شبکه است که این را در یک پایه مادی پیاده کنیم. آیا درست متوجه شده‌ام؟

استاد: مانعی ندارد.

شاگرد: در بحث قبلی فرمودید که از این طریق که ماده تنها بُعد نداشته باشد، بلکه زمان را هم اضافه کنیم، امکان آگاهی را فراهم کنیم... .

استاد: آن مربوط به آگاهی بود.

شاگرد: بله، آنجا این کار را کردید، الآن برداشت من این است که می‌گویید درک معانی در امور زندگی با زبان است که زبان، نیازمند یک دلالت در فضای شبکه‌ای است.

استاد: تفاوتش در این می‌شود که محال است در پایه، آگاهی داشته باشیم، مگر اینکه زمان را بسته‌بندی کنیم و زمان را به میان بیاوریم، اما درک معانی که می‌خواهد صورت بگیرد، لازمه‌اش

زمان نیست. یعنی ما می‌توانیم در یک بستر سه بُعدی، بدون این‌که بُعد چهارم را به میان بیاوریم، آن اشاره‌گر به یک مؤلفه از شبکه‌ای از معانی را تشکیل بدهیم. برای این‌که یک پایه، درک معنا کند، حتماً نیاز نداریم که زمان را به میان بیاوریم. البته مانعی ندارد آگاهی را بیاوریم و هر چه بیاوریم کامل‌تر می‌شود، اما می‌خواهم قوام‌ش را عرض کنم. چرا؟ چون فعلاً آن چیزی که برای معنا شدن ِمعنا نیاز داریم، این است که یک چیزی، خودش اجزاء داشته باشد و خودش جزء یک شبکه دیگری هم باشد. دو قید مهم می‌خواهد: چیزی داریم که نقطه‌ای نیست و در اندرونش اجزاء است و خودش هم دوباره یک مؤلفه و جزئی از یک شبکه است. اگر ما این را پیدا کردیم و توانستیم به این اشاره کنیم، به یک درکی از معنا در پایه سه بُعدی بدون زمان رسیده‌ایم.

حال آیا خود آن پایه، درک معنا می‌کند یا نه؟ بله، اگر این را به کار بگیرد، به این معنا، درک معنا دارد؛ یعنی این‌ها را از هم تشخیص می‌دهد، به نحوی که با اتاق چینی تفاوت می‌کند. اتاق چینی فقط نمادها را دستکاری می‌کرد، اما این، نمادها را دستکاری نمی‌کند، بلکه سروکارش با مجموعه‌ای از نمادها است که آن نمادها با هم مرتبط هستند و او، این ارتباط را متوجه می‌شود و مدیریت می‌کند. اگر این پیش‌نهاد به‌صورتی باشد که پیش برود، بعداً هم آگاهی همراه‌ش می‌شود و ترکیبی می‌شود از آگاهی در پایه و درک معنا در پایه؛ یک رباتی پدید می‌آید که به وسیله بسته‌بندی زمان و به وسیله شبکه‌بندی شبکه معانی، فرهنگ‌ها و معانی را درک می‌کند و با انسان ارتباط برقرار می‌کند. با دستگاهی مواجه می‌شوید که به این معنا هیچ مشکلی ندارد؛ یعنی فرهنگ‌ها را درک می‌کند، معانی را درک می‌کند، با شما صحبت می‌کند، ولی جز پایه هم نیست و نفس‌مند نیست. این درک، با چیزی که اول عرض کردم و با اتاق چینی هم منافاتی ندارد. یعنی اگر به سطح زبان درک ماشین (اسمبلی) بروید و باز پایین‌تر از اسمبلی و به زبان ماشین بروید، باز ما درکی نداریم و همان اتاق چینی است. اما وقتی به لایه بالاتر بیایید، یعنی به جایی بیایید که در وقت پردازش، او دارد از اشاره‌گرهایی به یک اجزاء منفردی از معنا -که خودش جزء دارد و خودش هم دوباره جزئی از یک شبکه است- استفاده می‌کند، در آن لایه، این ماشین - به این معنا - درک معنا می‌کند. چرا؟ چون لایه‌های بالاتر از سطح ماشین است، که حال تفاوت این دو را بعداً عرض می‌کنم. لذا ات ام ماشین نداشته باشیم، آن‌ها را نداریم؛ اگر زمان و ماشین و پردازش را برداریم، دیگر آن‌ها را نداریم. من عرض کردم اصل تشکیل شبکه معنا به زمان نیاز ندارد، نه این‌که الآن این ربات، نیاز به زمان و پردازش ندارد؛ حرف‌ها معلوم باشد.

بازبینی #2
ایجاد شده 22 اکتبر 2024 13:36:19 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 اکتبر 2024 14:20:01 توسط ... .